تحقیقات مالی اسلامی، سال اول، شمارهٔ دوم (پیاپی۲)، بهار و تابستان ۱۳۹۱، صص۱۴۳-۱۶۰

جذب سپرده قرض‌الحسنه به کمک ابزار مالی اسلامی (صکوک)

ابوالقاسم توحیدی‌نیا*

تاریخ دریافت: ۱۳۹۰/۱۱/۲۵
تاریخ پذیرش: ۱۳۹۱/۰۴/۱۴

چکیده

امروز جامعهٔ ما با شرایط اقتصادی‌ای دست و پنجه نرم می‌کند که از یکسو، افراد واجد شرایط بسیاری متقاضی دریافت وام قرض‌الحسنه هستند و از سوی دیگر، منابع کافی برای اعطای تسهیلات قرض‌الحسنه به این افراد وجود ندارد. اما با توجه به آنکه بانک قرض‌الحسنه با هدف گسترش معارف و مبانی شرع مبین اسلام و فرهنگ قرض‌الحسنه و تعمیق هرچه بیشتر این سنت حسنه در جامعه، به‌ویژه احیای مطلوب مبانی اقتصادی اسلامی در نظام بانکی کشور، تأسیس شده است، به نظر ضروری می‌رسد تلاش شود این بانک بر مشکل کمبود نقدینگی خود فائق آید. در این راستا، در این مقاله تلاش می‌شود به روش تحلیل منطقی اولاً نشان داده شود که این مشکل می‌تواند ناشی از سازوکار فعلی مورد استفاده در بانک قرض‌الحسنه در اخذ سپرده و اعطاء تسهیلات قرض‌الحسنه باشد. ثانیاً سازوکارهای دیگری وجود دارد که مبتنی بر انتشار اوراق صکوک بوده و از طریق آنها کمبود سپرده بانک قرض‌الحسنه می‌تواند تا حدی برطرف گردد. قابل ذکر است که این مقاله حل مسئله بانک قرض‌الحسنه را در دستور کار خود داشته و لذا مبتنی بر رد یا تأیید فرضیه نمی‌باشد. در این راستا نشان داده می‌شود که چگونه بانک قرض‌الحسنه با نقش‌آفرینی در یکی یا بیشتر از اجزاء و ارکان اساسی صکوک می‌تواند بر مشکل نقدینگی خود فائق آمده و اسباب توسعه قرض‌الحسنه را فراهم آورد.

واژگان کلیدی

قرض‌الحسنه، ابزار تأمین مالی اسلامی، صکوک

طبقه‌بندی JEL : G21 , Z12

* دکتری اقتصاد دانشگاه امام صادق(ع) tohidinia@isu.ac.ir

مقدمه

بانک قرض‌الحسنه با هدف گسترش معارف و مبانی شرع مبین اسلام و فرهنگ قرض‌الحسنه و تعمیق هرچه بیشتر این سنت حسنه در جامعه، به‌ویژه احیای مطلوب مبانی اقتصادی اسلامی در نظام بانکی کشور، تأسیس شد.[۱] براین‌اساس، بانک قرض‌الحسنه رسالت دارد شرایطی را مهیا نماید که از یک‌سو، متقاضیان امر شریف قرض دادن به‌صورت قرض‌الحسنه بتوانند وجوه خود را در قالب سپرده‌های قرض‌الحسنه به این بانک بسپارند تا در این راه صرف گردد و از سوی دیگر، متقاضیان دریافت قرض‌الحسنه بتوانند به این بانک مراجعه نمایند و از تسهیلات قرض‌الحسنه اعطایی بهره‌مند گردند. امروزه به‌دلایل متعدد اجتماعی همچون کم‌رنگ شدن فرهنگ اعطای قرض‌الحسنه و دلایل اقتصادی مختلفی مانند وجود نرخ تورم بالا در کشور وجوه سپرده‌گذاری توسط مردم در این بانک کفاف متقاضیان بسیار زیاد تسهیلات را نمی‌دهد ولذا، بانک از این منظر با کمبود روبه‌روست.

از سوی دیگر، با فرض اینکه در عدم استقبال مردم از سپرده‌گذاری قرض‌الحسنه در بانک قرض‌الحسنه تنها علل اقتصادی دخیل است و در واقع، سایر علل اجتماعی، فرهنگی و... نادیده گرفته شود، سؤال مهم مطرح، آن است که در چنین شرایطی آیا می‌توان به جذب منابع قرض‌الحسنه بیشتری امیدوار بود. پاسخ به این سؤال، در وهلهٔ نخست منفی است؛ زیرا با توجه به این فرض، هر فردی که تمایل داشته پولش را به‌صورت قرض‌الحسنه در اختیار بانک قرار دهد، این کار را انجام داده و دیگرِ صاحبان وجوه یا اصلاً تمایل به سپرده‌گذاری در این بانک ندارند و یا حاضر نیستند آن را به‌صورت قرض‌الحسنه، یعنی بدون دریافت هرگونه عایدی در اختیار بانک قرار دهند؛ لذا امیدی به بهبود وضعیت نقدینگی بانک قرض‌الحسنه از طریق سازوکارهای بانکی متداول وجود نخواهد داشت. اما با کمی ژرف‌اندیشی به نظر می‌رسد که بتوان به کمک ابزارهای تأمین مالی اسلامی تا حدودی بر این مشکل فائق آمد.

بنابراین، در این مقاله تلاش می‌شود با تجزیه و تحلیل منطقی نشان داده شود که این مشکل می‌تواند ناشی از سازوکار فعلی مورد استفاده در بانک قرض‌الحسنه در اخذ سپرده و اعطای تسهیلات قرض‌الحسنه باشد.

در قدم بعدی تلاش می‌شود برخی دیگر از سازوکارهای ممکن برای اقدام به امر قرض‌الحسنه معرفی گردد و نشان داده شود که از طریق این سازوکارها کمبود سپرده بانک قرض‌الحسنه را تا حدی برطرف کرد که این امر به توسعهٔ اعطای تسهیلات قرض‌الحسنه منجر خواهد شد.

یافته‌های تحقیق حاکی از آن است که امکان بهره‌مندی از سازوکارهای جدیدی که بر ابزار تأمین مالی اسلامی مبتنی هستند، برای بر طرف کردن این مشکل وجود دارد، بدین صورت که بانک قرض‌الحسنه در یکی یا بیشتر از اجزاء و ارکان اساسی ابزار تأمین مالی اسلامی نقش‌آفرینی نماید. در این راستا، برای نمونه نشان داده شده است که بانک قرض‌الحسنه چطور می‌تواند در نقش متقاضی منابع مالی ظاهر گشته و با انتشار صکوک سپرده‌های قرض‌الحسنه را مورد استفاده قرار دهد یا اینکه بانک قرض‌الحسنه چطور می‌تواند در نقش سرمایه‌گذار این سپرده‌ها ظاهر گشته و با خرید صکوک اسباب توسعه قرض‌الحسنه را فراهم آورد.

قابل ذکر است که بر اساس تعریف سازمان حسابداری و حسابرسی، نهادهای مالی اسلامی[۲] اوراق بهادار تأمین مالی اسلامی یا همان صکوک، ابزار تأمین مالی منطبق با موازین دین مبین اسلام، عبارت‌اند از: اسناد گواهی با ارزش یکسان که دال بر داشتن سهم مشاع از مالکیت یک دارایی، منفعت و یا خدمات ملموس و یا دال بر مالکیت دارایی‌های یک طرح خاص و یا فعالیت سرمایه‌گذاری معین‌اند.[۳]

ایدهٔ معرفی و استفاده از صکوک از آنجایی شکل گرفت که از یک‌سو، نیاز به تأمین مالی پروژه‌ها در کشورهای اسلامی به‌شدت احساس می‌شد و از سوی دیگر، ابتنای روش‌های متعارف تأمین مالی بر بهره و حرام بودن آن از نظر اسلام مانع استفاده از این روش‌ها برای برطرف نمودن نیازهای مالی مسلمانان بود. لذا در سال ۱۹۸۳م. بانک مرکزی مالزی[۴] اولین‌بار از صکوک برای تأمین مالی پروژه‌های دولتی استفاده نمود و از آن پس، استفاده از این ابزار مورد استقبال کشورهای اسلامی و حتی غیرمسلمانان قرار گرفت؛ به‌طوری که به گزارش بازار بین‌المللی مالی اسلامی[۵] از اول ژانویه ۲۰۰۱ تا ۳۱ دسامبر ۲۰۱۰م. ارزش کل صکوک منتشرشده بیش از ۱۹۷ میلیارد دلار بود که در این بین مالزی، امارات و عربستان با ۵۸/۵۱، ۱۶/۳۳ و ۷/۷ درصد، بیشترین سهم را به

خود اختصاص داده و از کشورهای غیراسلامی نیز آمریکا، انگلستان و سنگاپور با ۰/۳۹، ۰/۱٤ و ۰/۱۰ درصد سهم بیشتری را در انتشار این اوراق داشته‌اند.[٦]

در ایران، همزمان با اجرای قانون بانکداری اسلامی در سال ۱۳٦۳، فروش اوراق قرضه به‌دلیل ماهیت ربوی آن متوقف شد و در سال ۱۳۷۳ مقررات خرید و فروش اوراق مشارکت توسط شورای پول و اعتبار تصویب شد. بدین ترتیب، سیاست استفاده از ابزار اوراق مشارکت به‌طور رسمی از طریق طرح نواب در مهر ۱۳۷۲ به ارزش ۲۵۰ میلیارد اجرا گردید و با توجه به تأکید برنامهٔ توسعهٔ دوم و برنامه‌های توسعه بعد از آن بر استفاده از ابزارهای مالی جدید، طی سال‌های بعد نیز این سیاست تداوم یافته است. گفتنی است که در قانون بودجه ۱۳۸۹ کل کشور نیز مجوزهای متعددی برای انتشار صکوک داخلی و بین‌المللی به ارکان دولت و همچنین، شهرداری‌ها داده شده است.

اوراق مشارکت منتشرشده در ایران در واقع، الهام‌گرفته از اوراق بهادار اسلامی صکوک بود که برای تأمین مالی اسلامی پروژه‌های دولتی و خصوصی برای اولین‌بار در مالزی طراحی و به کارگیری شدند و سپس، در سایر کشورهای مسلمان همچون عربستان، پاکستان، کویت، امارات، برونئی، بحرین و قطر و حتی در برخی از کشورهای اروپایی، همچون انگلستان و آلمان مورد استفاده قرار گرفتند. ازآنجاکه طبق شریعت اسلام دریافت و پرداخت بهره حرام است، در کشورهای مسلمان استفاده از ابزارهای مالی مبتنی بر بهره قابل به کارگیری برای برطرف کردن نیازهای مالی مسلمانان نیست؛ لذا صکوک مورد استقبال فعالان بازارهای مالی بسیاری از کشورهای مسلمان است و به کارگیری آن رو به گسترش است.

۱. ادبیات و پیشینه تحقیق

در ارتباط با صکوک کارهای پژوهشی بسیار فراوانی صورت گرفته است که به لحاظ موضوعی، «چیستی صکوک»، «کارکرد صکوک»، «اهمیت صکوک و ضرورت به کارگیری آن»، «شرعی بودن صکوک»، و «طراحی انواع صکوک» مورد توجه بسیار دانشمندان چه در داخل و چه در خارج کشور بوده است؛ برای مثال، نظرپور (۱۳۸٤) به معرفی صکوک استصناع پرداخته و آن را ابزاری برای اعمال سیاست‌های پولی

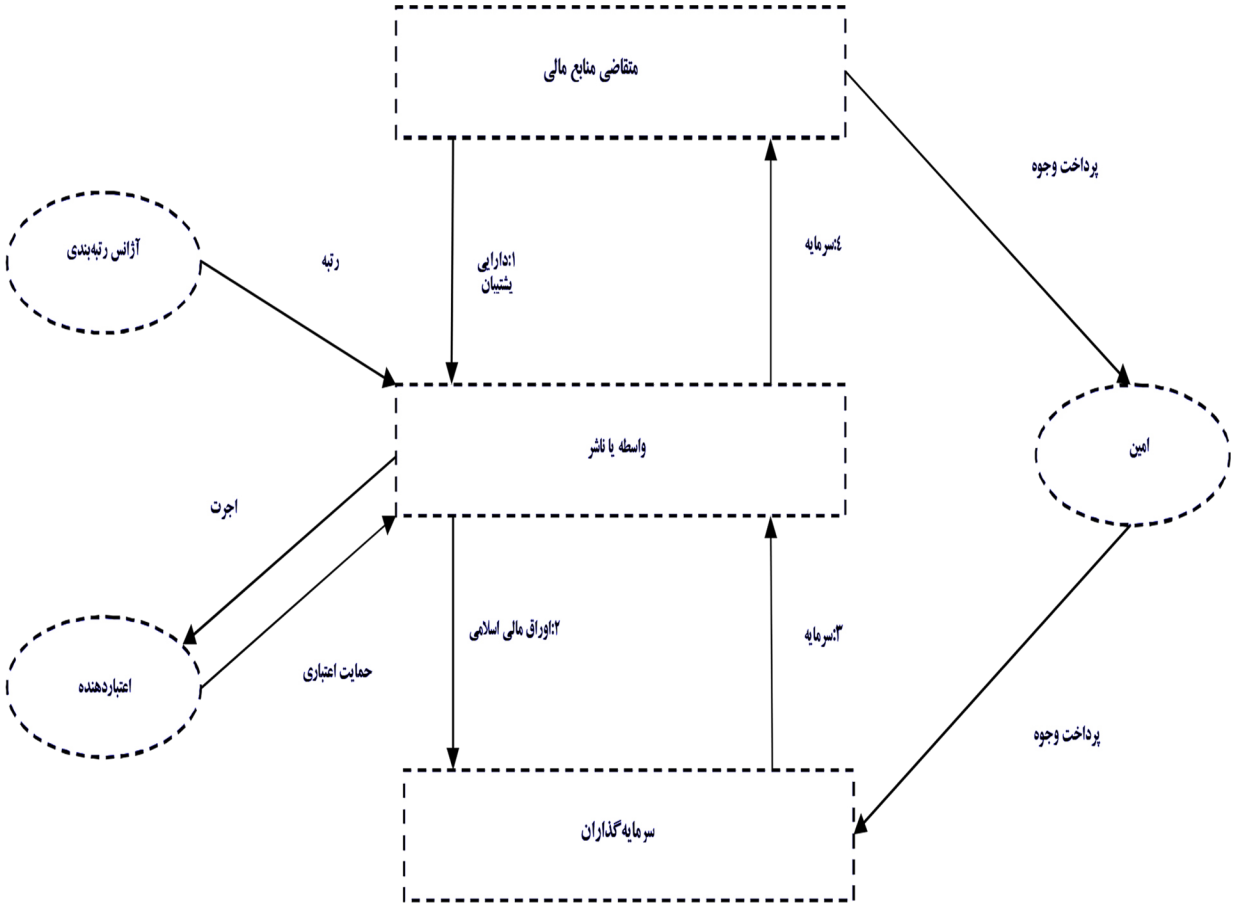
دانسته است. موسویان و فراهانی‌فرد (۱۳۸۵) نیز راجع به یکی از صکوک، یعنی صکوک اجاره صحبت کرده و کارکردهای آن را تبیین نموده‌اند. همچنین احمدی حاجی‌آبادی (۱۳۸٦) به بررسی فقهی نظری صکوک پرداخته است. صکوک مزارعه و مساقات نیز توسط موسویان (۱۳۸٦) برای توسعهٔ بخش کشاورزی کشور معرفی گشته است. همین‌طور معصومی‌نیا و شهیدی‌نسب (۱۳۸۸) به معرفی و تبیین نوع خاصی از صکوک یعنی صکوک مشارکت کاهنده پرداخته‌اند. از این منظر، تنها کارهای پژوهشی کاربردی که طراحی صکوک خاص را برای تأمین مالی اسلامی پروژه‌های مشخص، هدف خود قرار داده‌اند، با موضوع این مقاله شباهت دارند. وجه تمایز این مقاله با همه این کارها در آن است که استفاده از ابزار مالی اسلامی برای جذب سپرده بیشتر توسط بانک قرض‌الحسنه یک موضوع بدیع است که پیشتر بدان پرداخته نشده است. در این زمینه قابل ذکر است که راجع به صکوک یا اوراق قرض‌الحسنه که موضوع بحث این مقاله است، تنها دو مقاله در کشور مشاهده شد. مقالهٔ اول با عنوان «اوراق قرض‌الحسنه» (هادوی‌نیا، ۱۳۸۰)، راجع به سازوکار اجرایی است که امر قرض‌الحسنه دادن و قرض‌الحسنه گرفتن را تسهیل می‌کند. در واقع، این مقاله راجع به ارائهٔ ابزار مالی انتفاعی که قرض‌الحسنه را در حوزه تجهیز یاری می‌نمایند، سخن نمی‌گوید. مقالهٔ دیگر یعنی «اوراق قرض‌الحسنه، ابزار مالی جدید برای گسترش فرهنگ قرض‌الحسنه» (موسویان، ۱۳۸۹) به این بحث می‌پردازد که اوراق قرض‌الحسنه می‌تواند ابزار مناسبی برای تقویت نهاد قرض‌الحسنه و گسترش فرهنگ آن در جوامع اسلامی باشد و همچنین، این بحث را مطرح می‌کند که با استفاده از فقه امامیه و فرهنگ ایران اسلامی می‌توان برای تأمین مالی طرح‌های عام‌المنفعه اوراق قرض‌الحسنه طراحی کرد. همان‌طور که ملاحظه می‌شود، این مقاله نیز بیشتر بر سازوکارهای تسهیل‌کننده و بر جنبه‌های فرهنگی تکیه دارد و نه بر ابزارهای مالی مبتنی بر عقودی غیر از قرض‌الحسنه که می‌توانند امر مهم قرض‌الحسنه را از حیث تأمین وجوه حمایت کنند. اما مقالهٔ حاضر تلاش دارد تا نشان دهد به کمک ابزارهای مالی اسلامی که در آن‌ها انتفاع موضوعیت دارد هم می‌توان در جهت حمایت از قرض‌الحسنه بهره برد. قابل ذکر است که در سایر کشورها نیز دو نوع اوراق قرض‌الحسنه بدون جایزه (مانند مالزی) و با قرعه‌کشی و

جایزه (مانند مصر و سودان) مورد استفاده قرار می‌گیرند (موسویان، ۱۳۸۹) که از جهت کارکرد شبیه همان چیزی هستند که در دو مقاله پیش‌گفته مورد اشاره قرار گرفت؛ یعنی بر اساس قرارداد قرض بدون بهره منتشر می‌شوند و در واقع، عمل قرض دادن بدون اخذ بهره در اینجا سپرده‌گذاری به‌صورت قرض‌الحسنه در بانک نیست بلکه توسط اوراق قرض‌الحسنه صورت می‌پذیرد و این اوراق بیشتر جنبهٔ تسهیل‌کنندگی دارند. اما موضوع این مقاله به کارگیری سازوکاری است که به کمک آن، اوراق صکوکی غیر از صکوک قرض‌الحسنه برای تجهیز سپرده‌های قرض‌الحسنه بسیج می‌شوند و باعث رونق و شکوفایی این امر پسندیده می‌گردند.

۲. اجزاء و نحوه کارکرد صکوک

اگرچه راجع به این مسئله که یک ابزار تأمین مالی اسلامی از چه اجزایی تشکیل شده و نحوهٔ تعامل این اجزاء چگونه است و اینکه این تعاملات چگونه به جذب سرمایه لازم می‌انجامد، زیاد صحبت شده است، اما برای حفظ انسجام بحث لازم است دست‌کم به‌صورت خیلی اجمالی به این بحث پرداخته شود.

مدل عمومی یک ابزار تأمین مالی اسلامی در ادامه به تصویر کشیده شده است:



نمودار شماره ۱

همان‌طور که در نمودار بالا ملاحظه می‌شود، یک ابزار تأمین مالی اسلامی معمولاً از شش رکن تشکیل می‌شود:

یک. متقاضی منابع مالی: شخصی است که نیاز به سرمایه دارد و لذا با هدف تأمین مالی، اوراق منتشر می‌کند.

دو. واسط یا ناشر: شخص حقوقی است که عاملیت تهیه و توزیع اوراق را از سوی متقاضی به سرمایه‌گذاران بر عهده گرفته و از سوی دیگر، مسئول نقل و انتقال اصل و سود سرمایه در سررسید اوراق به آنان است.

سه. سرمایه‌گذاران: اشخاص حقیقی یا حقوقی که تمایل دارند پول خود را سرمایه‌گذاری نمایند. آن‌ها در این سرمایه‌گذاری مالک اوراق می‌شوند.

چهار. امین: شخص حقوقی است که به نمایندگی از سرمایه‌گذاران و به‌منظور حفظ منافع آنان در چارچوب ضوابط، مسئولیت نظارت بر کل فرآیند عملیاتی اوراق را بر عهده دارد.

پنج. آژانس رتبه‌بندی: میزان اعتبار منتشرکنندگان اوراق توسط این آژانس‌ها تعیین گشته و بر طبق آن، رتبه‌بندی می‌شوند.

شش. اعتباردهنده: شخصیتی حقوقی (همچون بانک مرکزی) است که با حمایت از ناشر اوراق، باعث افزایش اعتبار او می‌شود.

البته شایان توجه است که مؤلفه‌های لازم برای انتشار یک ابزار تأمین مالی اسلامی همان سه مؤلفهٔ اول است؛ لذا بدون سایر مؤلفه‌ها نیز امکان انتشار این اوراق وجود دارد کما اینکه مصادیق عینی بسیاری هم برای آن وجود دارد. بنابراین، در مباحث پیش رو تنها، نقش و کارکرد این سه جزء اساسی بررسی و تبیین می‌گردد.

در توضیح نمودار ۱ قابل ذکر است که ابزار تأمین مالی اسلامی فرایند تبدیل دارایی‌های با قدرت نقدشوندگی بالا به اوراق بهادار و فروش آن اوراق به صاحبان سرمایه است، بدین ترتیب که ابتدا متقاضی و نیازمند منابع مالی دارایی ملموس خود را به‌واسطه می‌فروشد. واسطه نیز به‌پشتوانهٔ این دارایی اوراق را تهیه می‌کند و به صاحبان سرمایه می‌فروشد؛ سپس، منابع مالی حاصل از فروش این اوراق را بابت قیمت آن دارایی، به متقاضی سرمایه می‌دهد.

در مرحلهٔ بعد نیز، متقاضی سرمایه، که اینک با منابع حاصل‌شده نیاز خود را برآورده نموده و به سود رسیده است، آن سرمایه لازم برای بازخرید اوراق موجود در دست سرمایه‌گذاران را در اختیار واسطه قرار می‌دهد. او نیز اوراق را در سررسید خود از سرمایه‌گذاران می‌خَرَد و پول اوراق را که در واقع، همان سرمایهٔ اولیه خودشان است، به آن‌ها بازمی‌گرداند و در این بین، جریان نقدی بین متقاضی اولیه و سرمایه‌گذاران در قالب سود سرمایه‌گذاری اتفاق می‌افتد.

۳. جذب نقدینگی قرض‌الحسنه به کمک ابزار مالی اسلامی

همان‌طور که در مقدمه بیان شد، با فرض دخیل بودن انحصاری علل اقتصادی در عدم استقبال شایان توجه مردم در امر سپرده‌گذاری قرض‌الحسنه، در بین صاحبان سرمایه احتمالاً دیگر کسی یافت نمی‌شود که پولش را قرض‌الحسنه بدهد؛ یعنی پولش را در جایی سرمایه‌گذاری نماید که هیچ سودی عایدش نمی‌شود، اگرچه که ریسکی هم متوجه او نیست؛ زیرا اگر تمایل داشت تا به حال این کار را کرده بود؛ لذا وضعیت سپرده‌گذاری در بانک قرض‌الحسنه به همین منوال باقی خواهد ماند.

اما به نظر می‌رسد که تقسیم افراد به کسانی که تمایل به مشارکت در قرض‌الحسنه دارند و افرادی که به این امر متمایل نیستند، صحیح نیست؛ زیرا سازوکار قرض‌الحسنه فعلی باعث این تقسیم‌بندی می‌شود و در واقع، قرض‌الحسنه ملاک تقسیم نیست بلکه سازوکار ملاک تقسیم قرار گرفته است. از سوی دیگر، این سازوکار می‌تواند تنها سازوکار مبادرت به امر قرض‌الحسنه نباشد ولذا، چنانچه سازوکارهای دیگری را برای قرض‌الحسنه بتوان معرفی نمود، شاید باب قرض‌الحسنه بدین صورتی که در بالا آمد، بسته نباشد. در این راستا، ادامهٔ بحث، تلاشی برای معرفی سازوکارهای دیگر است.

با همان استدلالی که توبین[۷] در تحلیل مسئلهٔ رجحان نقدینگی افراد مختلف داشته و بر اساس آن توانسته است تابع تقاضای پول را در شرایط بدون ریسک استخراج نماید[۸] و همچنین، با همان نگاه برانسون (۱۳۷٦) به دنیا که تنوع‌گرایی و گوناگونی را جزء جدایی‌ناپذیر آن دانسته و بر این اساس، از مدل تنوع‌گرای ترکیب سبد دارایی

حمایت کرده است، می‌توان با یک نگاه خوش‌بینانه معتقد بود که اصولاً در مواجهه با خیر فراوان قرض‌الحسنه افراد می‌توانند به دسته‌های مختلفی تقسیم شوند:

الف) فردی که اصلاً قرض‌الحسنه نمی‌دهد؛

ب) فردی که آمادگی دارد از اصل سرمایهٔ خود قرض‌الحسنه دهد؛

ج) فردی که حاضر است بخشی از سود سرمایه‌اش را قرض‌الحسنه بدهد؛

د) فردی که آمادگی دارد پول اختصاص‌داده به قرض‌الحسنه را به نفع خود قرض‌الحسنه سرمایه‌گذاری بدون ریسک نماید؛

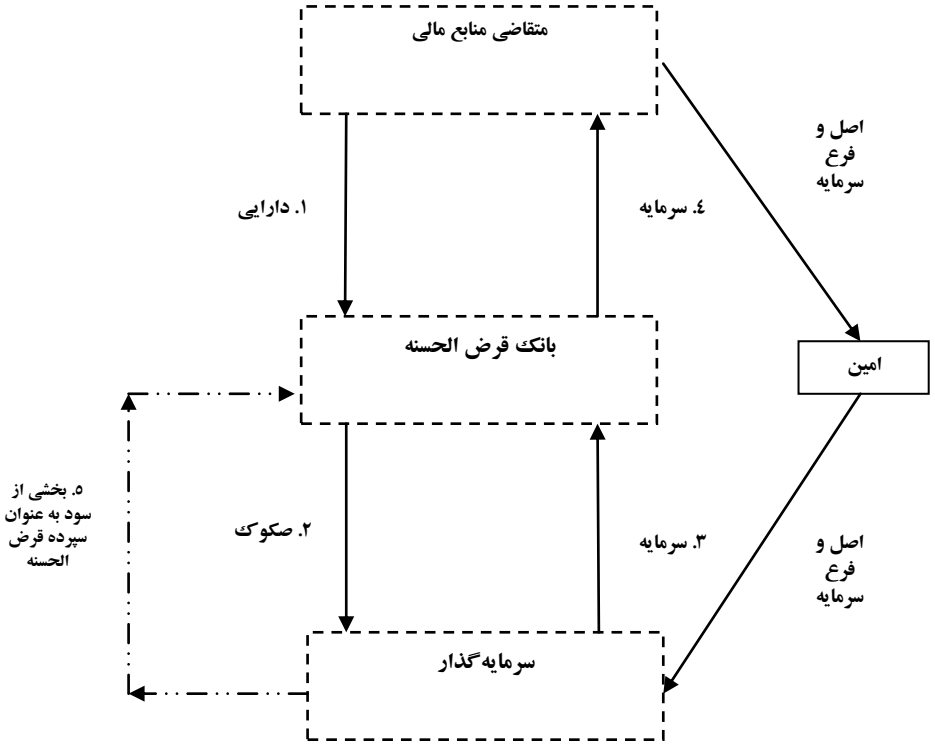
و....

لذاست که گزارهٔ «در بین صاحبان سرمایه احتمالاً دیگر کسی یافت نمی‌شود که پولش را قرض‌الحسنه بدهد»، تنها در صورتی حتماً صحیح است که ما امر قرض‌الحسنه را محدود به قرض دادن اصل سرمایه نماییم و در مواجهه با افرادی که تابه‌حال اقدام به این امر خیر نکرده‌اند، اما با در نظر گرفتن برخی فروض دیگر (که تعدادی از آن‌ها در بالا آمد) و با بارگیری سایر سازوکارها مانند سازوکار ابزار تأمین مالی اسلامی که کیفیت آن در ذیل توضیح داده می‌شود، به نظر می‌رسد که باب رونق گرفتن قرض‌الحسنه همچنان باز باشد. به بیان دیگر، اگرچه در بین صاحبان سرمایه احتمالاً دیگر کسی یافت نمی‌شود که با سازوکار فعلی پولش را قرض‌الحسنه بدهد، اما این بدان معنا نیست که دیگر کسی یافت نمی‌شود که حاضر باشد در راستای امر الهی، مقدس و خیرخواهانه قرض‌الحسنه برای مثال از بخش ناچیزی از سود و عایدی پولش صرف‌نظر نماید و برای مثال این، فرض بسیار قابل تصوری است که بسیاری از افراد تمایل داشته باشند بخشی از عایدی (و نه اصل پول) خود را صرف قرض‌الحسنه نمایند؛ برای مثال، ممکن است فردی پولش را قرض‌الحسنه ندهد، اما حاضر باشد پولش را به مضاربه داده و از طیب نفس بپذیرد که از فرضاً بیست درصد سود این عقد مضاربه که به او خواهد رسید، پنج درصدش را تحویل نگرفته و در اختیار بانک قرض‌الحسنه قرار دهد تا بانک آن را به نیازمندان قرض‌الحسنه بدهد. این سازوکار برای فروض مختلف به شرح زیر است:

صاحبان سرمایه آمادگی دارند بخشی از سود خود را قرض‌الحسنه بدهند.

در اینجا دو زیرفرض وجود دارد:

اول، بانک قرض‌الحسنه نقش واسط را ایفا کند و سپس، بخشی از سود صاحبان سرمایه را به‌عنوان سپردهٔ قرض‌الحسنه در اختیار بگیرد؛ به عبارت بهتر، این بانک از صاحبان سرمایه نیکوکار تقاضا می‌کند در اوراق بهادار اسلامی سرمایه‌گذاری کرده و سررسید بخشی یا همهٔ سود خود را طبق توافقی از پیش تعیین‌شده برای مدت معینی به تعویق بیندازند تا بانک از آن، به نفع امر صواب قرض‌الحسنه بهره ببرد که این بهره‌برداری به طرق مختلفی امکان‌پذیر است. این مترادف آن است که بگوییم اوراق منتشرشده توسط بانک قرض‌الحسنه در موعد مقرر بازخرید می‌شود اما سود آن به‌طور جزئی یا کلی دیرتر تحویل مشتریان می‌گردد.



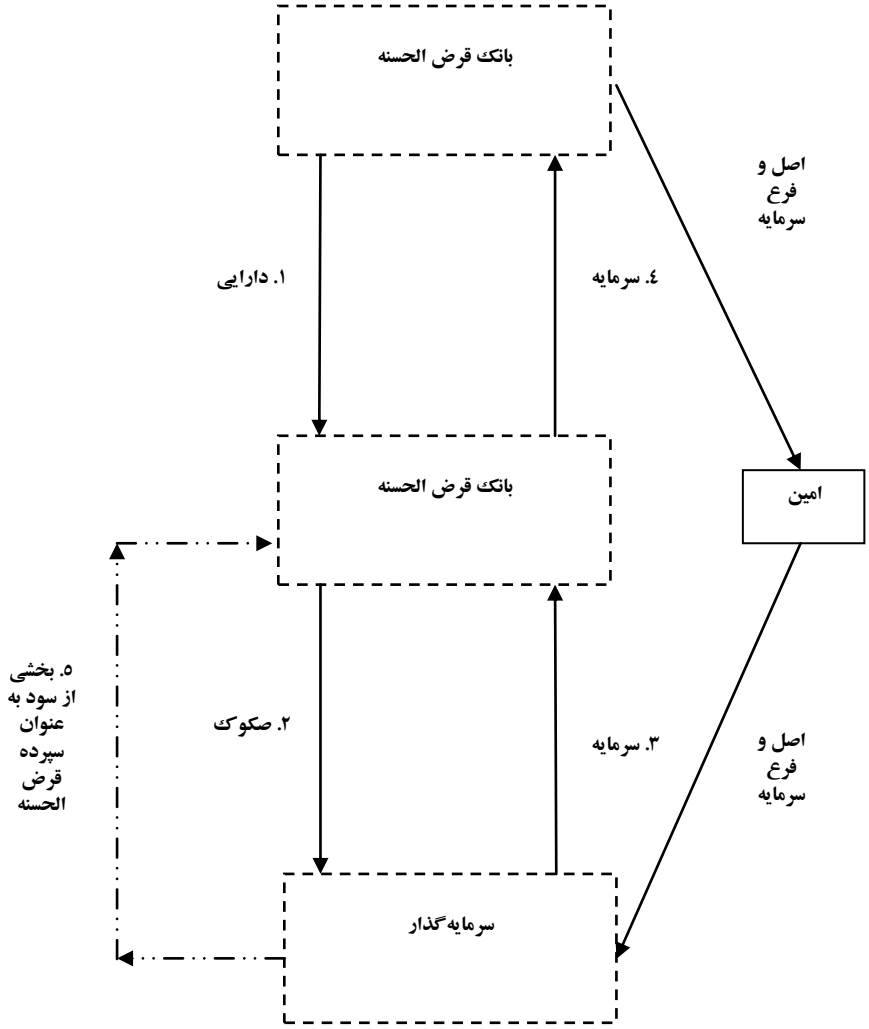
نمودار شماره ۲.

دوم، بانک قرض‌الحسنه خود نقش متقاضی دارایی مالی را ایفا می‌کند؛ یعنی برای تأمین نقدینگی مورد نیاز برای انجام رسالتش، به انتشار اوراق پرداخته و از سرمایه‌گذارانی که حاضرند، برای مثال، پولشان را به مضاربه داده و بخشی از سود آن را از بانک دریافت نکرده و به‌عنوان قرض‌الحسنه در بانک باقی گذارند، درخواست می‌کند این اوراق را بخرند. تفاوت این فرض با فرض الف در آن است که اکنون بانک قرض‌الحسنه باید با وجوه به‌دست‌آمده فعالیت اقتصادی انجام دهد تا قادر باشد سود صاحبان سرمایه را پرداخت نماید.

با توجه به شرایط اقتصاد ایران امکان فعالیت اقتصادی سودآور برای این بانک مشکل به نظر نمی‌رسد اما نکته اینجاست که بانک قرض‌الحسنه به لحاظ قانونی در این محدودیت قرار دارد که نمی‌تواند به اموری غیر از قرض‌الحسنه مبادرت ورزد ولذا، در اینجا یک سازوکار قانونی برای رفع این مشکل مورد نیاز است.

صاحب سپرده قرض‌الحسنه اعلام رضایت می‌نماید که پول اختصاص داده به قرض‌الحسنه به نفع خود قرض‌الحسنه سرمایه‌گذاری بدون ریسک شود.

سازوکار دیگر برای جلب مشارکت خیرخواهانه افراد در قرض‌الحسنه، آن است که بانک قرض‌الحسنه در نقش سرمایه‌گذار ظاهر گشته و از صاحبان سپرده اجازه بگیرد تا به نفع امر شریف قرض‌الحسنه در سرمایه‌گذاری‌های بدون ریسک کوتاه‌مدت (مانند خرید اوراق تأمین مالی اسلامی کوتاه‌مدت) مشارکت نموده و تمام سود حاصل از این سرمایه‌گذاری و یا بخشی از آن را صرف اعطای تسهیلات قرض‌الحسنه نماید. در این فرض، به نظر نمی‌رسد افرادی که پول خود را برای قرض‌الحسنه به بانک سپرده‌اند، از جنبهٔ اقتصادی مخالفتی با این عمل داشته باشند؛ زیرا هزینه‌ای بر آن‌ها بار نمی‌شود، الا اینکه به این موضوع قائل باشند که امکان برداشت از حساب خود را در زمان دلخواه از دست می‌دهند و در معاملات خود دچار مشکل می‌شوند که این تنها در مورد افرادی صادق است که دارای حساب سپرده جاری (و نه حساب پس‌انداز) هستند. لذا تنها در ارتباط با چنین افرادی این، در واقع همان هزینه‌ای است که در این حالت به صاحبان سپرده قرض‌الحسنه تحمیل می‌شود، اما به همان دلیل بالا یعنی رسیدن بانیان امر مورد



نمودار شماره ۳.

تأکید و مأجور قرض‌الحسنه به ثواب جزیل الهی، احتمالاً این تصور نابه‌جایی نباشد که افرادی باشند که دست‌کم در کوتاه‌مدت حاضر باشند پول خود را که از ابتدا به قرض‌الحسنه اختصاص داده بودند، برای مدت بیشتری مورد استفاده اقتصادی قرار نداده و در ظاهر راکد بگذارند تا نیازمندان جامعه امکان دریافت وجوه قرض‌الحسنه را در سطح بالاتری بیابند. علاوه‌براین، بسیاری از سپرده‌های قرض‌الحسنه سپرده‌های پس‌انداز است که این به‌تلویح، بدان معناست که صاحبان سپرده در کوتاه‌مدت نیاز ضروری به پول خود ندارند و لذا احتمال پذیرش این سازوکار توسط آنان بسیار زیاد است.

این فرض خودش به دو زیرفرض تقسیم‌شدنی است:

اول، صاحب سپرده انتظار هیچ سودی ندارد. در این صورت، متقاضی منابع مالی به انتشار اوراق پرداخته و توسط واسطه به سرمایه‌گذار که بانک قرض‌الحسنه باشد، می‌فروشد؛ بنابراین خواهیم داشت:

دوم، بانک قرض‌الحسنه با پرداخت بخشی از سود حاصل‌شده به خود صاحب حساب، نظر او را به این کار جلب نماید و برای وی توضیح دهد که اگر اجازه بدهد با پولش سرمایه‌گذاری کند؛ در واقع، این امکان فراهم شده که او، هم به توصیهٔ اسلام عمل کرده و به مردم قرض‌الحسنه داده باشد و هم خودش عائدی و منفعت مادی کسب کرده باشد.

قابل ذکر است که در این فرض نیز بانک قرض‌الحسنه با همان محدودیت عدم امکان مبادرت به اموری غیر از قرض‌الحسنه مواجه است؛ لذا در اینجا نیز سازوکار قانونی برای رفع این مشکل مورد نیاز است.

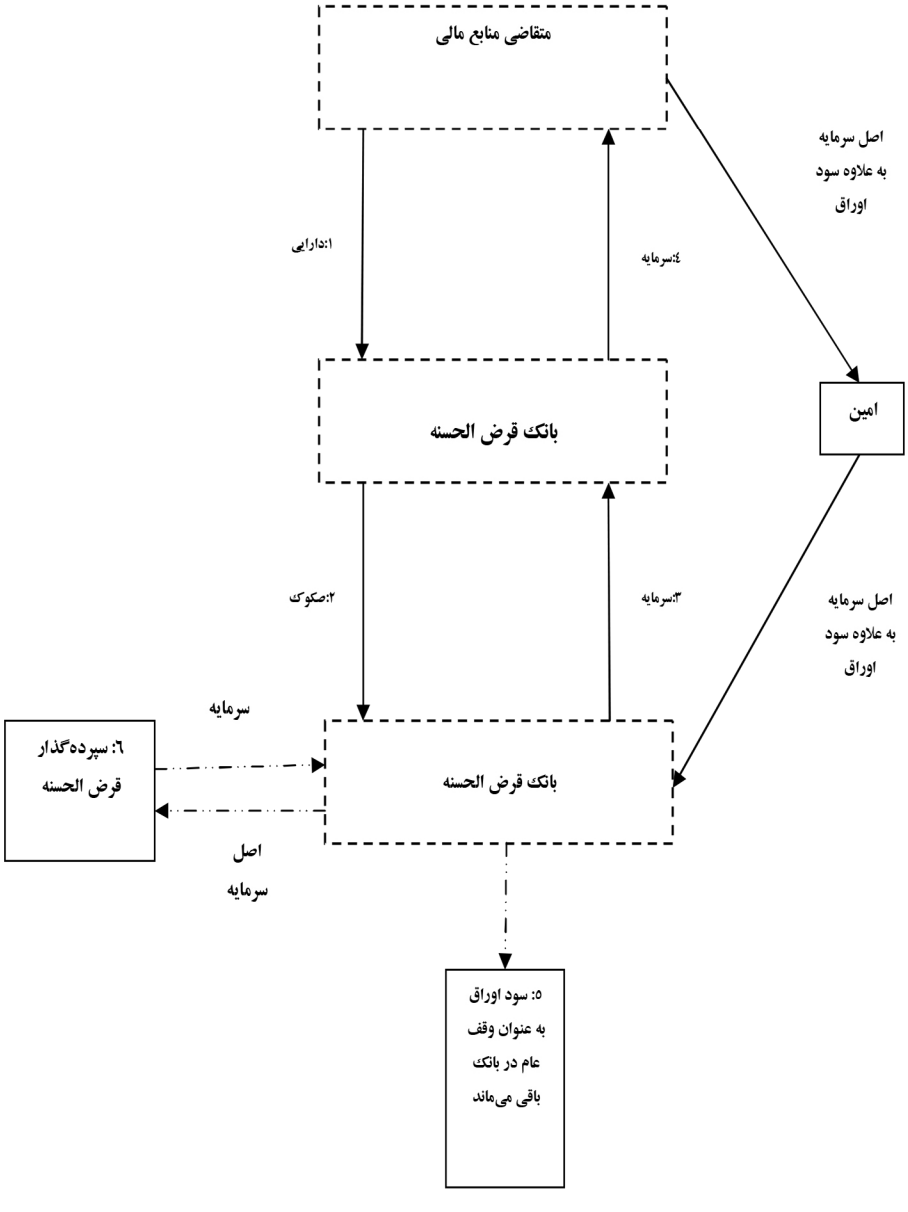
جمع‌بندی

امروز جامعه ما با شرایط اقتصادی دست و پنجه نرم می‌کند که از یک‌سو، افراد واجد شرایط بسیاری متقاضی دریافت وام قرض‌الحسنه هستند و از سوی دیگر، منابع کافی برای اعطای تسهیلات قرض‌الحسنه به این افراد وجود ندارد. اما با توجه به آنکه بانک قرض‌الحسنه با هدف گسترش معارف و مبانی شرع مبین اسلام و فرهنگ قرض‌الحسنه

و تعمیق هرچه بیشتر این سنت حسنه در جامعه، به‌ویژه احیای مطلوب مبانی اقتصادی اسلامی در نظام بانکی کشور تأسیس شده است، به نظر می‌رسد باید تلاش نمود این بانک بر مشکل کمبود نقدینگی خود فایق آید. در این راستا، در این مقاله تلاش گردید اولاً، نشان داده شود که این مشکل می‌تواند ناشی از سازوکار فعلی مورد استفاده در بانک قرض‌الحسنه در اخذ سپرده و اعطای تسهیلات قرض‌الحسنه باشد؛ ثانیاً این سازوکار می‌تواند یکی از سازوکارهای ممکن مورد استفاده بانک قرض‌الحسنه برای اخذ سپرده و اعطای تسهیلات قرض‌الحسنه باشد و در صورت وجود سازوکارهای دیگر، اینکه نتوان بر مشکل مذکور فائق آمد، لزوماً صحیح نیست.

در قدم بعدی تلاش گردید برخی دیگر از سازوکارهای ممکن برای اقدام به امر قرض‌الحسنه معرفی گشته و نشان داده شود که از طریق این سازوکارها کمبود سپرده بانک قرض‌الحسنه می‌تواند تا حدی برطرف گردد که این به توسعهٔ اعطای تسهیلات قرض‌الحسنه منجر خواهد شد. این سازوکارها مبتنی بر ابزار تأمین مالی اسلامی (صکوک) بوده و اینکه بانک قرض‌الحسنه در یکی یا بیشتر از اجزاء و ارکان اساسی این ابزار نقش‌آفرینی نماید. در این راستا، برای نمونه نشان داده شد که بانک قرض‌الحسنه چطور می‌تواند در نقش متقاضی منابع مالی ظاهر گشته و با انتشار صکوک سپرده‌های قرض‌الحسنه را مورد استفاده قرار دهد یا اینکه بانک قرض‌الحسنه چطور می‌تواند در نقش سرمایه‌گذار این سپرده‌ها ظاهر گشته و با خرید صکوک اسباب توسعهٔ قرض‌الحسنه را فراهم آورد.

بنابراین، می‌توان نتیجه‌گیری نمود که با قدری تأمل در سازوکارهای فعلی اخذ سپرده و اعطای تسهیلات قرض‌الحسنه توسط بانک قرض‌الحسنه و تلاش برای ارائه سازوکارهای بدیع و متنوع امکان جلب سپرده‌های قرض‌الحسنه بیشتر وجود داشته باشد؛ زیرا انسان ذاتاً تنوع‌گرا و تنوع‌طلب است ولذا، باید امکانات متنوعی را برای جلب مشارکت او در امر بسیار خداپسندانه قرض‌الحسنه فراهم نمود تا به او هم قدرت انتخاب داده شده باشد.



نمودار شماره ٤

یادداشت‌ها

۱. ملاحظه در پایگاه رسمی بانک قرض الحسنه:
http://www.qmb.ir/AboutBank/History/Established.aspx
2. Accounting and Auditing Organization for Islamic Financial Institutions (AAOIFI)
3. Definition of Sukuk: Investment Sukuk are certificates of equal value representing undivided shares in ownership of tangible assets, usufruct and services or (in the ownership of) the assets of particular projects or special investment activity, however, this is true after the receipt of the value of the Sukuk, the closing of the subscription and employment of funds received for the purpose for which the Sukuk were issued (www.aaoifi.com/aaoifi_sb_sukuk_Feb2008_Eng.pdf).
4. Bank Negara
5. International Islamic Financial Market
6. Look at: http://www.aaoifi.com/aaoifi/pdf%20forms/conference/p/2s.pdf
7. Tobin
۸. برای مطالعه بیشتر رک. برانسون، ۱۳۷٦.

کتابنامه

احمدی حاجی‌آبادی، سید روح‌الله (۱۳۸٦)، «بررسی فقهی- نظری اوراق بهادار اسلامی» (صکوک)، *راهبرد یاس*، شماره ۱۲.

برانسون، ویلیام اچ. (۱۳۷٦)، *تئوری و سیاست‌های اقتصاد کلان*، ترجمه عباس شاکری، نشر نی.

معصومی‌نیا، غلامعلی و شهیدی‌نسب، مصطفی (۱۳۸۹)، «بررسی فقهی و اقتصادی ابزار تأمین مالی مشارکت‌دهنده»، *اقتصاد اسلامی*، شماره ۳۵.

موسویان، سید عباس (۱۳۸٦)، «صکوک مزارعه و مساقات؛ ابزار مالی مناسب برای توسعهٔ بخش کشاورزی ایران»، *اقتصاد اسلامی*، شماره ۲٦.

موسویان، سید عباس (۱۳۸۹)، «اوراق قرض‌الحسنه؛ ابزار مالی جدید برای گسترش فرهنگ قرض‌الحسنه»، *مجموعه مقالات گفتارهایی دربارهٔ اوراق بهادار اسلامی (صکوک)*، ویراستاری توسط مجتبی کاوند، انتشارات دانشگاه امام صادق(ع).

موسویان، سید عباس و فراهانی‌فرد، سعید (۱۳۸۵)، «اوراق بهادار اجاره (صکوک اجاره)»، *اقتصاد اسلامی*، شماره ۲٤.

نظرپور، محمدنقی (۱۳۸٤)، «اوراق بهادار استصناع (سفارش ساخت) ابزاری برای سیاست پولی»، *اقتصاد اسلامی*، شماره ۲۰.

هادوی‌نیا، علی‌اصغر (۱۳۸۰)، «اوراق قرض‌الحسنه»، *اقتصاد اسلامی*، شماره ٤.
وبگاه رسمی بانک قرض‌الحسنه:
http://www.qmb.ir/AboutBank/History/Established.aspx

Accounting and Auditing Organization for Islamic Financial Institutions (AAOIFI), (www.aaoifi.com/aaoifi_sb_sukuk_Feb2008_Eng.pdf)
Overview & Trends in the Global Sukuk Market (2012), *International Islamic Financial Market*,
http://www.aaoifi.com/aaoifi/pdf%20forms/conference/p/2s.pdf